




پیش بینی طلاق عاطفی براساس تمامیت خواهی زوجی و تاب آوری در زنان

سهیلا غنی آبادی^۱  هاجر فلاح زاده^۲  مصطفی وفا^۳ 

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان براساس تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری در سال ۱۴۰۰ انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی زنان ساکن شهر تهران در سال ۱۴۰۰ است. در پژوهشی با روش توصیفی از نوع هم‌بستگی، نمونه‌ای به حجم ۳۶۰ نفر از میان تمامی زنان ساکن منطقه ۱۳ شهر تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان در مطالعه، پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۴)، پرسشنامه تمامیت‌خواهی زوجی شی و اسلنی (۱۹۹۹) و پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) را تکمیل کردند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیری حاکی از آن است که بین طلاق عاطفی با تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری در نمونه مورد بررسی به ترتیب به صورت مثبت و منفی از لحاظ آماری رابطه معناداری وجود دارد ($P\text{-value} > 0/05$). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری، به صورت معناداری طلاق عاطفی زنان را پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان از اهمیت تاب‌آوری در تعدیل رابطه مثبت بین طلاق عاطفی و تمامیت‌خواهی زوجی نابهنجار دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

طلاق عاطفی؛ تمامیت‌خواهی زوجی؛ تاب‌آوری.

ارجاع به مقاله:

غنی آبادی، سهیلا؛ فلاح زاده، هاجر؛ مصطفی، وفا. (۱۴۰۲). پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری در زنان. مطالعات زن و خانواده، ۱۱(۴)، ۸۳-۶۲. DOI. 10.22051/jwfs.2023.42658.2937

^۱. کارشناسی ارشد مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

^۲. استادیار گروه روانشناسی بالینی و سلامت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۳. کارشناسی ارشد مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Vafa.mostafa@yahoo.com

مقدمه

طلاق یکی از اصلی‌ترین عناصری است که در مسیر یک زندگی سالم اختلال ایجاد می‌کند و روند فزاینده آن به افزایش خانواده‌های تک‌والدی منجر شده است (ون‌گاسی و مرتلمنز^۱، ۲۰۲۰). طلاق به دو حالت آشکار و پنهان تقسیم می‌شود: در طلاق آشکار، زوجین با مراجعه به دادگاه به طور رسمی از یکدیگر جدا می‌شوند و در طلاق پنهان، زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند که به این نوع طلاق، طلاق خاموش یا اصطلاح طلاق عاطفی^۲ نیز گفته می‌شود (بشرپور و همکاران، ۱۴۰۰). در این میان، استانداردها و باورهایی که اشخاص برای ازدواج دارند، کارکرد مثبتی در ارتباطات صمیمانه بازی می‌کنند (ژو^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). این استانداردها یکسری استراتژی‌های اخلاقی برای زندگی روزمره زوجین می‌دهند، اما مشکل از جایی شروع می‌شود که این استانداردها برآورده نشوند یا زوجین استانداردها و انتظارات بالا و غیرواقع‌بینانه‌ای را در ارتباط خود در نظر بگیرند. تعیین استانداردها و انتظارات بالا برای خود و دیگران با سطوحی از ناسازگاری در رابطه همراه است و نقش مهمی در مشکلات زناشویی بازی می‌کند (هویت^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). هنگامی که شخص استانداردها و انتظارات کمال‌گرایانه را به دیگران تحمیل می‌کند، از آن باعنوان کمال‌گرایی^۵ رابطه‌ای با تمامیت‌خواهی زوجی^۶ یاد می‌شود (استوبر^۷، ۲۰۱۲).

پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که کمال‌گرایی می‌تواند روابط زوجین را در جهت منفی تحت تأثیر قرار دهد (آرکوری^۸، ۲۰۱۳) و از آنجا که تمامیت‌خواهی زوجین یکی از متغیرهای نزدیک به کمال‌گرایی است، می‌تواند با طلاق عاطفی در ارتباط باشد. در پژوهش دیگری که توسط کیلبرت و همکاران (۲۰۱۴) انجام شد رابطه بین کمال‌گرایی با تاب‌آوری^۹ تأیید شد. تاب‌آوری نوعی حالت قابل توسعه در فرد است که براساس آن فرد می‌تواند در رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و تعارضات زندگی و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفت‌ها و مسئولیت‌های بیشتر، به تلاش خود بیفزاید و برای رسیدن به موفقیت بیشتر دست از تلاش بردارد (دانترز^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸). در مطالعه‌ای که

1. Van Gasse

2. emotional divorce

3. Xu

4. Hewitt

5. Perfectionism

6. Dyadic Perfectionism

7. Stoeber

8. Arcuri

9. Resilience

10. Dantzer



توسط افراسیابی و جعفرزاده (۲۰۱۵) انجام شد وجود ارتباط معنادار و معکوس بین تاب‌آوری و میزان طلاق به تأیید رسید. براساس بررسی‌های شکل‌گرفته توسط پژوهشگران پژوهش حاضر، هیچ پژوهشی درخصوص پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری در میان زنان متأهل شکل‌نگرفته است و اهمیت پژوهش در این زمینه به‌شکل ملموسی بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین پژوهش حاضر، درصدد پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری است.

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل ساکن منطقه سیزده شهر تهران در سال ۱۴۰۰ می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی از نوع در دسترس، تعداد ۳۶۰ نفر از بین افراد داوطلب به مشارکت در پژوهش انتخاب شدند. همه شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات کارشناسی به بالا و متأهل بودند. در بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه، از لحاظ سن، شامل ۱۴۴ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۵۸ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۵۸ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن داشتند؛ از لحاظ تعداد فرزندان ۱۲۰ نفر یک فرزند، ۱۷۶ نفر دو فرزند و ۶۴ نفر سه فرزند داشتند و از لحاظ مدت زمان تاهل، ۱۳۶ نفر کمتر از ۱۰ سال و ۲۲۴ نفر بالای ۱۰ سال ازدواج کرده بودند. داده‌ها از طریق همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ مورد تحلیل قرار گرفت.

پرسشنامه طلاق عاطفی^۱: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۴ توسط گاتمن تهیه شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و سوالات به شیوه بله یا خیر جواب داده می‌شوند. پاسخ بله یک امتیاز و پاسخ خیر صفر می‌گیرد، پس از جمع کردن پاسخ‌ها چنانچه تعداد پاسخ‌های مثبت برابر نمره ۸ و بالاتر باشد، به این معنا است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در او مشهود است (گاتمن، ۱۳۸۷). پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر، به وسیله آلفای کرونباخ، ۰/۹۱ به دست آمد.

^۱. Emotional Divorce Questionnaire (EDQ)

مقیاس تمامیت‌خواهی زوجی^۱: این مقیاس ۲۶ پرسشی از سوی شی و اسلنی در سال ۱۹۹۹ ساخته شد و برای سنجش کمال‌گرایی در روابط زوجی به کار می‌رود. این ابزار دارای سه خرده مقیاس ناهم‌خوانی^۲ (۱-۱۶)، استانداردهای بالا^۳ (۱۷-۲۲) و نظم^۴ (۲۳-۲۶) می‌باشد. ماده‌های پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت ۷ تایی (۱-۷) است. نمره بالای فرد در زیرمقیاس استاندارد بالا و زیرمقیاس نظم، نشان‌دهنده کمال‌گرایی زوجی بهنجار و نمره بالا در زیرمقیاس ناهم‌خوانی و استاندارد بالا نشان‌دهنده کمال‌گرایی زوجی نابهنجار است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس‌های ناهم‌خوانی و استانداردهای بالا به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۰ به دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری^۵: این پرسشنامه را کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) با مرور منابع پژوهشی سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۹۱ در حوزه تاب‌آوری تهیه کردند. پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) ۲۵ عبارت دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا ۵ (همیشه درست) با دامنه ۱۲۵-۲۵ نمره‌گذاری می‌شود. ابعاد پرسشنامه تاب‌آوری شامل: زیرمقیاس تصور از شایستگی فردی؛ زیرمقیاس اعتماد به غرایز فردی و تحمل عاطفه منفی؛ زیرمقیاس پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن؛ زیرمقیاس کنترل و زیرمقیاس تأثیرات معنوی می‌باشد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر، به وسیله آلفای کرونباخ، ۰/۹۴ به دست آمد.

یافته‌ها

الف). ماتریس همبستگی

براساس نتایج ماتریس همبستگی، نتایج نشان داد که رابطه بین طلاق عاطفی و تمامیت‌خواهی زوجی مثبت است ($r=0/560$ ، $p\text{-value}<0/05$). همچنین رابطه طلاق عاطفی با تاب‌آوری منفی است ($r=-0/314$ ، $p\text{-value}<0/05$).

¹. Dyadic Almost Perfect Scale (DAPS)

². Discrepancy

³. High Standards

⁴. Order

⁵. Resilience Scale (RS)



ب). نتایج رگرسیون خطی

با توجه به نتایج جدول (۲) چون F محاسبه‌شده (۱۱۵/۲) از ارزش بحرانی F (با درجه آزادی ۲ و ۳۵۶ و سطح معنی‌داری ($p\text{-value} < 0/01$) بزرگ‌تر است، پس فرض صفر رد می‌شود. با توجه به رد فرض صفر، می‌توان نتیجه‌گرفت که تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری پیش‌بینی‌کننده متغیر ملاک (طلاق عاطفی) هستند. ضریب تعیین در این معادله ۰/۳۹۳ است یعنی متغیرهای پیش‌بینی‌کننده با هم توانسته‌اند ۳۹/۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک را تبیین و پیش‌بینی کنند.

جدول ۲. خلاصه نتایج رگرسیون خطی در پیش‌بینی متغیر ملاک (طلاق عاطفی) از طریق تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری

منابع متغیر ملاک	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معنی‌داری	ضریب تعیین	دوربین واتسن
رگرسیون	۸۳/۳۹	۲	۴۱/۶۹				
کل	۱۲۸/۷۶	۳۵۶	۰/۳۶	۱۱۵/۲	۰/۰۰۱	۰/۳۹	۱/۸۳
کل	۲۱۲/۱۴	۳۵۸					

نتیجه‌گیری

نتایج حاکی از معنادار بودن نقش تمامیت‌خواهی زوجی و تاب‌آوری در پیش‌بینی طلاق عاطفی بود که هم‌سو با پژوهش‌های انجام شده توسط احمدلو و زینالی (۱۳۹۶)؛ زمانی و همکاران (۱۳۹۳) و افراسیابی و جعفرزاده (۲۰۱۵) بود. به نظر می‌رسد زوجینی که تمامیت‌خواهی زوجی منفی بالایی دارند در زمان بروز اختلافات و تعارضات زناشویی از راهبردهای مسئله‌مدار حل این تعارضات و اختلافات استفاده نمی‌کنند و برعکس از راهبردهای هیجان‌مدار و کناره‌گیری / اجتناب در تقابل با همسر استفاده می‌کنند و این امر در بلندمدت منجر به جدایی و طلاق عاطفی بین زوجین می‌شود. همچنین در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد تمامیت‌خواه به دلیل ویژگی‌ها و خصوصیات خاص رفتاری و فکری در معرض برخی اختلالات روانی از جمله: وسواس، افسردگی، اضطراب، استرس، احساس ناکامی و غیره قرار می‌گیرند که این امر به نوبه خود بر نحوه ارتباط و تعامل عاطفی آن‌ها با همسر تأثیرات منفی می‌گذارد و در بلندمدت باعث ایجاد جدایی و فاصله عاطفی در بین آن‌ها می‌-

شود. از سوی دیگر، تاب‌آوری به واسطه کاهش مشکلات هیجانی و یا افزایش سطح سلامت روانی، رضایت‌مندی از زندگی را در پی دارد. آن چه مهم به نظر می‌رسد این حقیقت است که ظرفیت تاب‌آوری یک ویژگی مثبت و مطلوب است و به عنوان شاخصه‌ای پویا و قابل‌تغییر در نظر گرفته می‌شود که می‌توان آن را با روش‌های مختلفی از جمله ایجاد عوامل حمایت‌کننده موجود یا ایجاد عوامل حمایت‌کننده جدید افزایش داد و بدان‌وسیله به‌صورت غیرمستقیم بر سطح رضامندی زناشویی زوجین و به تبع آن طلاق عاطفی آن‌ها تأثیر گذاشت. افراد تاب‌آور به‌واسطه توانایی‌ای که در زمینه برخورد منطقی و همراه با آرامش با امور و توجه و تمرکز بر توانایی‌ها و حقوق خود دارند، می‌توانند در موقعیت‌هایی که استرس‌زا هستند واکنش عقلانی و بالغانه‌ای داشته‌باشند و از کناره‌گیری عاطفی در تقابل با شریک زندگی خود اجتناب کنند. افراد تاب‌آور به‌خصوص در زندگی زناشویی به‌شکل منطقی برخورد کرده و در جهت مهم انگاشتن رابطه زناشویی خود و تلاش برای رهایی از شرایط جدایی عاطفی، گام برمی‌دارند. در واقع، بالا رفتن میزان تاب‌آوری موجب کاهش آسیب‌پذیری در برابر جدایی و کناره‌گیری عاطفی می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: همه مشارکت‌کنندگان با رضایت در این مطالعه شرکت کردند و پژوهشگران به آن‌ها اطمینان دادند که نتایج مطالعه محرمانه است.

حمایت مالی: این مطالعه با هزینه شخصی پژوهشگران انجام شده است.

سهم نویسندگان: نویسنده نخست (س-غ)، جمع‌آوری داده‌ها و نگارش مقاله؛ نویسنده دوم (ه-ف)، نظارت بر اجرای پژوهش و بازبینی مقاله؛ و نویسنده سوم (و-م)، تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و مسئولیت این مقاله را بر عهده داشتند.

تضاد منافع: این پژوهش با منافع شخص یا سازمانی تعارض ندارد.

تشکر و قدردانی: بدین‌وسیله از کلیه کسانی که در این پژوهش مشارکت کردند، قدردانی می‌شود.

منابع فارسی

- احمدلو، مریم؛ زینالی، علی. (۱۳۹۶). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس تنوع‌طلبی، کمال‌گرایی منفی و دلبستگی ناایمن در زنان شاغل شهر ارومیه. *مجله سلامت کار ایران*. ۱۵ (۲): ۶۴-۷۲. [لینک]
- بشرپور، سجاد؛ فریور، مهران؛ عبادی، متینه. (۱۴۰۰). مدل‌یابی علی طلاق عاطفی در زنان بر اساس صفات تاریک شخصیت: با نقش میانجی عزت‌نفس جنسی. *مجله مطالعات زن و خانواده*. ۹ (۱)، ۵۸-۳۷. [لینک]
- زمانی، ساره؛ احدی، حسن؛ عسگری، پرویز. (۱۳۹۳). رابطه طلاق عاطفی با تصویر



بدنی و کمال‌گرایی. *مجله مطالعات روان-*

شناختی. ۱۰ (۴): ۱۳۶-۱۱۹. [لینک]

References

- Afrasiabi, F., & Jafarizadeh, M. R. (2015). Study of the Relationship between Personal Factors and Emotional Divorce. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6 (6 S6), 406.
- Arcuri, A. (2013). Dyadic perfectionism, communication patterns and relationship quality in couples. [Link]
- Dantzer, R., Cohen, S., Russo, S. J., & Dinan, T. G. (2018). Resilience and immunity. *Brain, behavior, and immunity*, 74, 28-42. <https://doi.org/10.1016/j.bbi.2018.08.010> [Link]
- Hewitt, P. L., Flett, G. L., & Mikail, S. F. (2017). *Perfectionism: A relational approach to conceptualization, assessment, and treatment*. The Guilford Press. [Link]
- Klibert, J., Lamis, D. A., Collins, W., Smalley, K. B., Warren, J. C., Yancey, C. T., & Winterowd, C. (2014). Resilience mediates the relations between perfectionism and college student distress. *Journal of Counseling & Development*, 92(1), 75-82. <https://doi.org/10.1002/j.1556-6676.2014.00132.x> [Link]
- Stoeber, J. (2012). Dyadic perfectionism in romantic relationships: Predicting relationship satisfaction and longterm commitment. *Personality and Individual Differences*, 53(3), 300-305. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2012.04.002> [Link]
- Van Gasse, D., & Mortelmans, D. (2020). Reorganizing the single-parent family system: Exploring the process perspective on divorce. *Family Relations*, 69(5), 1100-1112. <https://doi.org/10.1111/fare.12432> [Link]
- Xu, M., Thomas, P. A., & Umberson, D. (2016). Marital quality and cognitive limitations in late life. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 71(1), 165-176. <https://doi.org/10.1093/geronb/gbv014> [Link]



© 2024 Alzahra University, Tehran, Iran.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 lic